**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه291– 06 /07/ 1399 اقصی مدت حمل /مساله‌ی پانزدهم تکمله‌ی عروه** **/ اقوال فقها در عده**

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در اقصی مدت حمل بود. در روایتی مدت حمل دقیقا نه ماه ذکر شده بود؛ یعنی ساعتی بیش از آن امکان ندارد وگرنه موجب مرگ مادر می شود:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ غَايَةِ الْحَمْلِ بِالْوَلَدِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ كَمْ‏ هُوَ فَإِنَ‏ النَّاسَ‏ يَقُولُونَ‏ رُبَّمَا بَقِيَ فِي بَطْنِهَا سِنِينَ فَقَالَ كَذَبُوا أَقْصَى حَدِّ الْحَمْلِ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ لَا يَزِيدُ لَحْظَةً وَ لَوْ زَادَ سَاعَةً لَقَتَلَ أُمَّهُ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ.[[1]](#footnote-1)

گفتیم این روایت از نظر سند و متن، قابل اعتماد نیست.

سپس روایت عبدالرحمن بن الحجاج را بیان کردیم:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَمِعْتُ‏ أَبَا إِبْرَاهِيمَ‏ ع‏ يَقُولُ‏ إِذَا طَلَّقَ‏ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ فَادَّعَتْ حَبَلًا انْتَظَرَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ وَلَدَتْ وَ إِلَّا اعْتَدَّتْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ ثُمَّ قَدْ بَانَتْ مِنْهُ.[[2]](#footnote-2)

آیت الله والد با توجه به روایت محمد بن حکیم، این روایت را متناسب با قول یک سال دانست. در روایت محمد بن حکیم آمده بود که اگر زن، مرتابة الحمل باشد یا ادعای حمل کند، باید نه ماه صبر کند و اگر پس از نه ماه باز هم ادعای حمل داشت، سه ماه دیگر احتیاط کند. در بعضی از نقل های روایت محمد بن حکیم آمده است که پس از یک سال دیگر تردیدی وجود ندارد و می تواند ازدواج کند: لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ

این تعبیر بیان گر این است که قبل از یک سال[[3]](#footnote-3) ریبه وجود دارد و انْتَظَرَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ یعنی از زمان مباشرت باید نه ماه صبر کند.

# روایت سورة بن کلیب

یکی از روایاتی که آیت الله والد در این بحث به آن اشاره کرده است، روایت سورة بن کلیب می باشد:

عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كُلَيْبٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ تَطْلِيقَةً عَلَى طُهْرٍ مِنْ غَيْرِ جِمَاعٍ‏ بِشُهُودٍ طَلَاقَ‏ السُّنَّةِ وَ هِيَ مِمَّنْ تَحِيضُ فَمَضَى ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ فَلَمْ تَحِضْ إِلَّا حَيْضَةً وَاحِدَةً ثُمَّ ارْتَفَعَتْ حَيْضَتُهَا حَتَّى مَضَتْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ أُخْرَى وَ لَمْ تَدْرِ مَا رَفَعَ حَيْضَهَا قَالَ إِنْ كَانَتْ شَابَّةً مُسْتَقِيمَةَ الطَّمْثِ فَلَمْ تَطْمَثْ فِي ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ إِلَّا حَيْضَةً ثُمَّ ارْتَفَعَ طَمْثُهَا فَلَا تَدْرِي مَا رَفَعَهَا فَإِنَّهَا تَتَرَبَّصُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ مِنْ يَوْمَ طَلَّقَهَا ثُمَّ تَعْتَدُّ بَعْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ ثُمَّ تَتَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ.[[4]](#footnote-4)

زنی که در سن یاس نمی باشد، طلاق السنة ( در طهر غیر مواقعه و با حضور شهود) داده شده است. در مدت زمان سه ماه پس از طلاق، فقط یک بار حیض می بیند. در سه ماه بعدی هم فقط یک بار حیض می بیند. امام می فرماید: نه ماه از روز طلاق باید صبر کند. با توجه به این که طلاق در طهر غیر مواقعه بوده است و بین مباشرت و طلاق فاصله بوده است؛ در نتیجه نه ماه و سه ماهی که در روایت ذکر شده است، ارتباطی با حمل ندارد و تشریفات طلاق می باشد. به خصوص آن که در بحث طلاق چه بسا متارکه وجود داشته است و فاصله‌ی مباشرت و طلاق بیش از یک ماه خواهد بود؛ با این حال روایت، نه ماه و سپس سه ماه را مطرح کرده است. ممکن است روایت عبدالرحمن بن الحجاج هم از این باب باشد؛ یعنی تشریفات طلاق را بیان می کند و ارتباطی با حمل نداشته باشد.

اگر روایت عبدالرحمن بن الحجاج، بر اساس روایت محمد بن حکیم معنا شود، مناسب تر است و بعید است اطلاق فَادَّعَتْ حَبَلًا حتی در صورتی که ادعای حمل ادامه نداشته باشد، پذیرفته شود.

بر اساس روایت محمد بن حکیم، روایت عبدالرحمن بن الحجاج مربوط به اقصی مدت حمل می باشد که یک سال است ( چنان که مرحوم سید یزدی به این روایت تمسک کرده است)

در نتیجه نمی توان گفت روایت عبدالرحمن بن الحجاج به قرینه‌ی روایت سورة بن کلیب مجمل می شود.

# روایات مورد استناد سید یزدی

مرحوم سید برای قول به یک سال بودن اقصی مدت حمل به سه روایت تمسک کرده است:

1. صحیحه‌ی عبدالرحمن بن الحجاج
2. خبر محمد بن حکیم

## خبر محمد بن حکیم

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانٍ عَنِ ابْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ أَوْ أَبِيهِ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي الْمُطَلَّقَةِ يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا فَتَقُولُ أَنَا حُبْلَى فَتَمْكُثُ سَنَةً قَالَ إِنْ جَاءَتْ بِهِ لِأَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ لَمْ تُصَدَّقْ وَ لَوْ سَاعَةً وَاحِدَةً فِي دَعْوَاهَا.[[5]](#footnote-5)

مفهوم روایت این است که اگر در زمان کمتر از یک سال ادعای حمل کند، تصدیق می شود.

تعبیر خبر، بر اساس مبنایی است که روایات صفوان، بزنطی و ابن ابی عمیر را در توثیق محمد بن حکیم کافی ندانیم.

آیت الله والد محمد بن حکیم را با توجه به این که از مشایخ صفوان می باشد و همچنین اکثار اجلائی چون یونس بن عبدالرحمن، توثیق می کند.

آیت الله والد ابن حکیم را مردد بین سه نفر دانسته است. سال گذشته در مورد ابن حکیم مفصل بحث کردیم و گفتیم که مراد از ابن حکیم، محمد بن حکیم می باشد.

آیت الله والد، معلی بن محمد را از طریق اکثار روایت حسین بن محمد بن عامر توثیق می کند و کلام نجاشی ( مضطرب الحديث و المذهب) را برای ضعف او کافی نمی داند.

1. روایت غیاث: مرحوم سید این روایت را مرسل ذکر کرده است و حال آن که مرسل نمی باشد.

## روایت غیاث

رَوَى سَلَمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبَانٍ عَنْ غِيَاثٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: أَدْنَى‏ مَا تَحْمِلُ‏ الْمَرْأَةُ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ وَ أَكْثَرُ مَا تَحْمِلُ لِسَنَة‏[[6]](#footnote-6)

در بعضی از نقل های این روایت «لسنتین» آمده است. آیت الله والد می فرماید: «لسنتین» تحریف می باشد و وجهی ندارد «لسنتین» باشد و مرحوم صدوق اشاره ای به تقیه ای بودن آن نکرده باشد.

### غیاث

مراد از غیاث، «غیاث بن ابراهیم تمیمی» می باشد که مرحوم نجاشی او را توثیق کرده است:

833 غياث بن إبراهيم التميمي الأسيدي‏

بصري، سكن الكوفة، ثقة...[[7]](#footnote-7)

### اسماعیل بن ابان الوراق

اسماعیل بن ابان الوراق در کتب عامه توثیق شده است:

قال عَبد اللَّهِ بْن أَحْمَد بْن حنبل، عَن أبيه: ثقة.

وكذلك قال أَحْمَد بْن منصور الرمادي، وأبو دَاوُد، ومحمد بْن عَبد الله الحضرمي

وقَال البُخارِيُّ: صدوق.

وَقَال النَّسَائي: ليس به بأس.

وَقَال عَباس الدُّورِيُّ، عَنْ يحيى بْن مَعِين: إِسْمَاعِيل بْن أبان الوراق ثقة، وإسماعيل بْن أبان الغنوي كذاب، وضع حديثا عن علي: السابع من ولد الْعَبَّاس يلبس الخضرة"، يعني المأمون.

قال أَبُو بكر الخطيب: وقد كَانَ يعقوب بْن شَيْبَة كتب عنهما جميعا.

وَقَال إِبْرَاهِيم بْن يعقوب الجوزجاني: إِسْمَاعِيل بْن أبان الوراق، كَانَ مائلا عن الحق، ولم يكن يكذب فِي الْحَدِيث قال أَبُو أَحْمَد بْن عدي: يعني ما عليه الكوفيون من التشيع[[8]](#footnote-8)، وأما الصدق، فهو صدوق فِي الرواية[[9]](#footnote-9)

جوزجانی ناصبی است؛ اما با این حال اسماعیل بن ابان را توثیق کرده است. این توثیقات بسیار محکم تر از توثیقات ماست.

### سلمة بن خطاب

مرحوم نجاشی در مورد سلمة بن خطاب می فرماید:

498 سلمة بن الخطاب أبو الفضل البراوستاني الأزدورقاني‏

قرية من سواد الري كان ضعيفا في حديثه‏[[10]](#footnote-10)

گر چه نجاشی او را ضعیف در حدیث می داند؛ اما بزرگانی مثل سعد بن عبدالله، صفار، علی بن ابراهیم و ... از او روایت کرده اند که نشان می دهد، او ثقه است و کلام نجاشی در ضعف او از متن شناسی ناشی می شود که از امور اجتهادی است و با اکثار اجلاء معارضه نمی کند. بنابراین در مورد سلمه اشکالی وجود ندارد.

### اسماعیل بن اسحاق

اسماعیل بن اسحاق در بعضی از نسخ فقیه نمی باشد؛ اما آیت الله والد می فرماید: اسماعیل بن اسحاق باید در سند باشد؛ زیرا با توجه به روایات دیگر، اسماعیل بن اسحاق باید واسطه‌ی بین سلمة بن خطاب و اسماعیل بن ابان باشد.

اسماعیل بن اسحاق توثیق صریح ندارد؛ اما شیخ صدوق که در مقدمه‌ی فقیه گفته است که به همه‌ی روایات فقیه فتوا می دهد، بیان گر این است که اسماعیل بن اسحاق را توثیق می کند.

اما اشکال این استدلال این است که مرحوم صدوق، روایت عبدالرحمن بن الحجاج را نیز آورده است و ممکن است به آن روایت فتوا دهد و روایت غیاث را که اسماعیل بن اسحاق در سند آن واقع شده است به عنوان موید آورده باشد. در نتیجه از این راه نمی توان وثاقت اسماعیل بن اسحاق را ثابت کرد.

آیت الله والد در این اشکال مناقشه کرده اند که روایت عبدالرحمن بن الحجاج ظهور در یک سال ندارد و مرحوم صدوق به روایت غیاث فتوا داده است و در نتیجه وثاقت اسماعیل بن اسحاق ثابت می شود.

احراز این که مرحوم صدوق به خاطر روایت غیاث قائل به یک سال شده است، دشوار است و احتمال دارد مرحوم صدوق بر اساس روایت عبدالرحمن بن الحجاج قائل به یک سال شده باشد. به خصوص آن که روایت غیاث را بلافاصله پس از روایت عبدالرحمن آورده است؛ گویا روایت غیاث را مفسر روایت عبدالرحمن قرار داده است، به این بیان که نه ماه و سه ماه انتظاری که در روایت عبدالرحمن آمده است، دلیلش یک سال بودنِ اکثر حمل می باشد، که در روایت غیاث آمده است.

در نتیجه اسماعیل بن اسحاق را نمی توان از این طریق توثیق کرد؛ به خصوص این که اسماعیل بن اسحاق نامش و ترجمه اش در هیچ سند و منبعی ذکر نشده است.

آیت الله والد روایات اقصی مدت حمل را به این صورت جمع می کند که روایات نه ماه بر غالب و متعارف، حمل می شود؛ اما چون به ندرت، مدت حمل تا یک سال نیز ادامه می یابد، شارع مقدس به این احتمال ترتیب اثر داده است و فرموده است که تا یک سال باید صبر کنند.

روایات نیز بین نه ماه و یک سال فرق گذاشته اند؛ ابتدا نه ماه ذکر شده است و سپس سه ماه را به عنوان احتیاط بیان می کنند.

مرحوم سید نیز در مورد روایات نه ماه می فرماید: أخبار المشهور فمنزّلة على الغالب

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص52.](http://lib.eshia.ir/11005/6/52/غایة) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص101.](http://lib.eshia.ir/11005/6/101/الحجاج) [↑](#footnote-ref-2)
3. یک سال پس از مباشرت [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص119.](http://lib.eshia.ir/10083/8/119/کلیب) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص101.](http://lib.eshia.ir/11005/6/101/فتمکث) [↑](#footnote-ref-5)
6. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج3، ص511.](http://lib.eshia.ir/11021/3/511/غیاث) [↑](#footnote-ref-6)
7. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص305.](http://lib.eshia.ir/14028/1/305/التميمي) [↑](#footnote-ref-7)
8. تشیع به معنای امامی نمی باشد؛ در اصطلاح آن زمان به این معناست که امیرالمومنین را در فضیلت بر سه خلیفه‌ی اول ( یا عثمان) مقدم بداند. [↑](#footnote-ref-8)
9. تهذيب الكمال في أسماء الرجال، المزي، جمال الدين، جلد، صفحه 8 [↑](#footnote-ref-9)
10. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص187.](http://lib.eshia.ir/14028/1/187/ضعیفا) [↑](#footnote-ref-10)